جهاد

کسی که در جهاد حضور ندارد



نویسنده: شیخ شهید عزالدین رصافی

مترجم: محمد عمر ابراهیمی

بسم الله الرحمن الرحيم

جهاد کسی که در جهاد حضور ندارد

به قلم : شیخ شهید عزالدین رصافی

ترجمه : محمد عمر ابراهیمی

جمع و تحقیق از: مکتبة الهمة در دولة العراق الإسلامية



مقدمه مترجم

بسم الله و الحمدلله والصلاة و السلام علی رسول الله،و اما بعد:

این کتاب با وجود کمی حجم آن حاوی توصیه های مهم و کاربردی می باشد که با عملی کردن آن خیرات زیادی برای امت اسلام حاصل خواهد شد. این بنده حقیر خواننده محترم را سفارش می کند که با دقت این توصیه ها را مطالعه کرده و عملی نماید و به مربیان بزرگوار پیشنهاد می دهم که این کتاب را به دوستداران جهاد درس بدهند و نیز به جماعتها پیشنهاد می نمایم که برنامه های توصیه شده در این کتاب را با نظم و پشتکار دنبال کنند و امیر جماعت نیز بر روند آن نظارت داشته باشد.

و اگر در جایی جمعی بدون امیر و جماعت می باشند پیشنهاد بنده اینست که مسئولی را از میان خود تعیین کرده و با برنامه ریزی و نظم توصیه های کتاب را عملی کنند، به این ترتیب که برنامه های بخش اعداد ایمانی را انجام دهند و برای پایبند شدن به آن پیشنهاد میدهم که امیر یا مسئول از کسانی که تمایل به اجرای برنامه دارند برای عملی کردن آن توصیه ها بیعت بگیرد و یا خود اعضاء به یکدیگر قول انجام آن امور را بدهند و با هم عهد و پیمان ببندند و برای رعایت آنها یکدیگر را امر به معروف ونهی از منکر کنند مگر اینکه کسی خوف ریاء داشته باشد که در آن صورت بهتر است فردی انجام دهد. درباره بخش" اعداد مادی" باید با برنامه ریزی و دسته جمعی و تقسیم مسئولیت و مشورت و هماهنگی انجام گیرد . و درباره بخش "دعوت به توحید و جهاد" نیز تجربیات خود را در اختیار یکدیگر بگذارند واگر دعوت عموم مردم را شامل شود حتماً باید با مشورت علما و طلاب علم شرعی و داعیان با تجربه انجام پذیرد. و برنامه های بخش"مشارکت در خط اول جهاد قتالی"را با تقسیم کار و مشورت و برنامه ریزی و هماهنگی انجام دهند.

انجام جمعی این امور با دو نفر نیزممکن خواهد بود و اگر کسی در منطقه ای تنها است باید به تنهایی این توصیه ها را اجرا کند و تنهایی و غربت او را از خدمت به جهاد باز ندارد چرا که: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ : کسانی که برای (رضایت) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند ، آنان را در راههای منتهی به خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می‌گردانیم ، و قطعاً خدا با نیکوکاران است (و کسانی که خدا در صف ایشان باشد پیروز و بهروزند).

از برادرانم امید دارم که مرا به خاطر اشتباهاتی که احیاناً در ترجمه پیش می آید، عفو کرده و از الله تعالی بخواهند که این بنده گنهکارش را مورد مغفرت قرار دهد.

الله تعالی به همه ما توفیق عمل بدهد، از او می خواهیم که ما را توفیق جهاد و شهادت دهد و به او پناه می بریم که روز قیامت در صف مدعیان دروغین محشور شده و روی پل صراط از نور ایمان محروم شویم.

ما را از دعای خیرتان فراموش نکنید.

برادرتان؛محمد عمر ابراهیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

" جهاد کسی که در جهاد حضور ندارد "

الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین،ثم اما بعد:

بسیاری از مسلمین(یک میلیارد و نیم)آرزوی به دست آوردن فرصتی را دارند که سهمی–هر چند اندک باشد- در یاری برادرانشان در عراق و افغانستان یا فلسطین داشته باشند، و بسیاری از مسلمین آروز می کنند که می توانستند برای شرکت واقعی در جهاد به عراق بیایند، بلکه حتی بسیاری هستند که آرزوی عملیاتی استشهادی را دارند تا دین خدا را یاری کرده باشند.

و ما از آنجایی که علل واقعی عدم توانایی این برادران(انصار جهاد) برای شرکت عملی در این معرکه ضد طاغوت، را درک می کنیم،–به منظور به کار گیری تمام توانایی ها و آماده کردن تمام نیروها- روشی را معرفی می کنیم تا "انصار جهاد" –وبه خصوص جوانان–بتوانند در این معرکه و مبارزه مادامی که در مناطق خود هستند و نمی توانند با اجسامشان در جهاد حضور یابند، مشارکت داشته باشند. و سعی خواهیم کرد که این روش را تا اندازه ممکن بسیار واضح و آسان کنیم.

برادران یاریگر جهاد که در جهاد حضور ندارید:

برادرانتان در عراق و افغانستان و دیگر جبهه ها با دشمنی روبرویند که مانند سایر دشمنان نیست. این دشمنی مرکب است که از تمام شرور و ریشه های خبیث و عصاره زیرکی و حیله ترکیب یافته است. امروز دشمن شما شیطان است با تمام لشکریانش و بدین خاطر و برای آنکه هدفمان واضح باشد بابد بدانیم که با که می جنگیم و در چه جبهه هایی مشغول هستیم.

و در هر جنگی باید ابتداء دشمنان را تعین کنیم. دشمنان مان به طور خلاصه اینان هستند:

۱- شیطان و نفس امّاره.

۲- یهود، که در دولت یهود که"اسرائیل"نامیده می شود نماد یافته است و همه یارانش.

۳- صلیبیون و در رأسشان آمریکا و هم پیمانانش.

۴- روافض مجوس و سگ هایشان.

۵- مرتدین و سازش کاران و مزدوران خودی.

و روشهایی که برای انصار جهاد پیشنهاد خواهد شد، بدین صورت خواهد بود:

۱. اعداد ایمانی برای کسانی که در جهاد حضور ندارند.

۲. اعداد مادی برای کسانی که در جهاد نیستند: اعداد نظامی- بدنی – پزشکی –الکترونیکی ....

۳. دعوت –برای کسانی که در جهاد نیستند- به سوی توحید و جهاد در منطقه ای که در آن زندگی می کنند.

۴. مشارکت-کسانی که در جهاد نیستند- برای کمک رساندن به خط اول جبهه جهاد قتالی.

اعداد ایمانی

برای کسانی که در جهاد حضور ندارند

برای آنکه پیروزی بر دشمن کافر را تضمین کرده باشی باید حتماً بر هوای نفس و شیطان پیروز شوی و منظورمان هر چیزی است که انسان را به سوی گمراهی و گناه و بداخلاقی بکشاند.

و این دشمن، هم دشمن خارجی است و هم داخلی؛ بدین خاطر این دشمن از همه دشمنان خطرناکتر و ضررش بیشتر است، چون مانند یک میکروب خبیث عمل می کند؛ تو را یکباره نمی کشد بلکه اندك اندك جسم و عضلاتت را از بین می برد تا جایی که مانند یک چوب پوسیده بی تحرك و بدون فایده می شوی. برای همین احتیاط از این دشمن واجب و فرض است، چرا که هیچ دشمنی بدتر از این دشمن نمی تواند تو را نابود کند. ما این دشمن را خط اول مبارزه محسوب می کنیم، اگر توانستی بر آن چیره شوی دشمنان بعدی آسانتر خواهند بود واگر نتوانستی آن را شکست دهی فکر نمی کنم بتوانی در جنگی که نیتش را داری شرکت کنی.

بنابراین اگر واقعاً تصمیم به یاری برادرانت داری، باید ابتداء اولین گام در راه جهاد را برداری یعنی: شیطانت را در مرحله اول شکست دهی. و اولین کاری که باید انجام دهی:"نیت صادق" و راستین است؛ تا اجر جهاد را درحالی که خانه خود هستی کسب کنی مادامی که راه رسیدن به مجاهدین را نمی دانی.

اما تو به این اجر نمی رسی مگر با صداقتت، به عوان مثال اگر الآن هواپیمایی خصوصی آمد تا تو را به میدان جهاد ببرد آیا فوراً برای ادای این فریضه می روی یا اینکه مانند بسیاری بهانه می آوری که مثلاً مادرت راضی نیست و یا درس مهم است و آن هم نوعی اعداد است ودیگر بهانه ها... .

- ویکی دیگر از نشانه های صدق: تهیه پاسپورت است و آماده کردن آن برای هر لحظه.

- و یکی دیگر از نشانه های صدق: آمادگی بدنی و روحی است، و نیز دعا کردن بسیار تا الله تعالی توفیق بدهد و نیز پس دادن امانت ها به صاحبانش مانند زمانی که می خواهی بعد از چند روز به سفر بروی یا اینکه وقتی برایت مشکلی پیش می آید کسی را به جای خود وکیل می کنی که امانتها را پس دهد.

-این حالت شبیه حالت بسیاری از جوانان نو متدیّن است که پدرانشان از ترس اینکه مبادا مشکلی برایشان پیش آید آنهارا از شرکت در نماز جماعت صبح در مسجد جلوگیری می کنند، حتی درهای خانه را می بندند تا فرزندشان بیرون نرود. در آن حالت کسی که در نیت خود صادق باشد زبان حالش چنین است که : "خداوندا اگر در باز بود من به مسجد می رفتم، من آماده ام!".

-(احادیثی که دال بر کسب اجر به مجرد نیت در حالت عجز از انجام عمل هستند بسیار است، به ریاض الصالحین و... مراجعه کنید).

در ادامه روش تمرین ایمانی که باید به انجام رسانی را بیان می کنم تا با عملی کردن آن بر این راه ثابت قدم بمانی:

۱.مواظبت بر نمازهای پنجگانه در جماعت:

برادر مسلمانم، بسیاری از برادرانت در عراق از نعمت نماز در مساجد محرومند چون مساجد به دست روافض(خدا ذلیلشان کند) بسته شده اند، برای همین ما به شما که می توانید بدون ترس و لرز به مسجد بروید، غبطه می خوریم و بدان که اگر تو از کسانی هستی که نماز صبح و عشاء را در مسجد می خوانند، در این صورت وارد راه صحیحی شده ای که تو را به جهاد باذن الله می رساند.

۲. **حداقل دو رکعت نماز تهجد** هر شب، در دل شب بگذار و بدان که توانایی تو برای برگذاری نماز در دل شب به این معنا است که تو بر نگهبانی و پاسبانی مرزهای جهاد قادر خواهی بود.

اگر تو نتوانی نیمه شب برای نماز بیدار شوی در حالی که در خانه خود هستی و بخاری یا کولر نزد تو موجود است چگونه می توانی در میدان جهاد نیمه شب بیدار بمانی؟

چگونه سرمای استخوان سوز شبهای زمستان یا بادهای جهنمی گرمای تابستان را تحمل خواهی کرد؟

پس با توکل به الله برای نماز شب بیدار شو و بدان که در همان لحظه ای که تو با آرامش و با شکم سیر و در اتاق مطبوع خود دو رکت نماز می خوانی، در همان لحظه برخی از برادران مجاهدت در عراق در حالی که سلاحشان را در دست گرفته اند، منتظر دشمن ایستاده اند، در حالیکه نمی دانند دشمن از کدام سو خواهد آمد، نمی دانند که از دید دشمن به دیوار پناه برند یا از شدت سرمای سخت شبهای زمستان؟

۳. **حداقل یک روز در هفته روزه بگیر**: این کار تو را برای تحمل درد گرسنگی که در میادین جهاد برایت پیش می آید تمرین می دهد، و بدان که صحابه رضی الله عنهم گاهی در حالی می جنگیدند که از درد گرسنگی سنگ به شکم بسته بودند. اگر تو در خلال روز کمی درد گرسنگی را می چشی درعوض مطمئن هستی که در وقت افطار غذایی برای خوردن داری و بدان که در همان لحظه ای که افطار می کنی و غذای مورد علاقه ات را می خوری برادرانت در عراق بدون اینکه سست شده و از حال خود شکایت کنند روزه روز را به شب وصل می کنند، زیرا غذایی پیدا نمی کنند که با آن افطار کنند و اگر هم چیزی پیدا کنند، آن اندازه نیست که درد گرسنگی را درمان کند مگر اندکی.

وآنها این مشکلات را برای کسب اجر از رب العالمین تحمل می کنند، حال به خود بنگر که تو نسبت به آنان در چه مرتبه ای هستی.

۴. **قرآن را حداقل ماهی یکبار ختم کن**: اگر روزانه یک جزء از قرآن را تلاوت کنی هر ماه می توانی یکبار قرآن را ختم کنی. اگر قرآن را در یک ماه ختم کردی بدان که برادر مجاهدت در عراق در حالی قرآن را ختم می کند که در صف اول مبارزه است و کفار را می ترساند و کفار او را می ترسانند و هیچ آرامش و اطیمینانی نمی یابد الا با قرآن، پس بنگر که تو نسبت به آنان در چه مرتبه ای هستی و تو چه اجری می بری وآنان چه اجری می برند!

۵.**تلاش کن که تابع سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم باشی**، و برخی از احادیث را حفظ کن تا- به همراه قرآن- توشهٔ تو باشد و با آن آرامش بیابی، و بدان که در آن لحظاتی که تو احادیثی درباره جهاد و اجر شهادت مطالعه می کنی، برادرانت در عراق این احادیث را عملی کرده و تبدیل به واقعیت می کنند به طوری که تخت ظالمین را به لرزه در می آورد.

و فرق است میان کسی که حدیث را می خواند یا حفظ می کند با کسی که این احادیث را عملی می کند و در واقعیت تطبیق می دهد.

۶.**باید برخی از کتب سیرت و برخی از زندگی نامه های صحابه و تابعین را مطالعه کنی**، تا اسوه تو در تاریکی های شب و ظلمت حوادث و گردنه وقائع باشد.

وبدان که در آن وقتی که از خواندن وقائع زندگی و قهرمانی های آنان اشک هایت بر گونه هایت جاری می شود، در همان وقت برادرانت در عراق با اعمال خود کتب قهرمانی و سیرت صالحین و بزرگان تاریخ را افزایش می دهند،کتبی که تو و فرزندانت آنها را خواهید خواند.

پس بکوش که از کسانی باشی که تاریخ را می نویسند نه از کسانی که تاریخ را می خوانند.

۷.**آراسته شدن به تمام اخلاقهای پسندیده** و دورشدن از تمام اخلاقهای زشت و ناپسند، و اولین اخلاق پسندیده اینست که سلام را منتشر کنی؛ از همین امروز به هر کسی که می شناسی و نمی شناسی سلام بده. اگر بتوانی چنین کنی احساس آرامش روح و زیبایی اخلاق را خواهی یافت؛ چون اخلاق حسنه آنست که با مردم معاشرت داشته باشی نه آنکه با خود معاشرت کنی؛ پس اگر بر هر کس که می شناسی و هر کس که نمی شناسی سلام دهی،آنگاه با مردم با اخلاق حسنه معاشرت کرده ای.

بله این کار سخت است اما برای کسی که الله تعالی برایش آسان کند،آسان خواهد بود و بدان که تو در جهاد به این اخلاق نیاز داری چون این اخلاق کینه و کدورت را از سینه تو می زداید و به تو این امکان را می دهد که از برادرانت وقتی که در حق تو خطا کردند چشم پوشی کنی. این اخلاق(سلام دادن به همه) را دست کم نگیر هرچند که در نظرت بی اهمیت جلوه کند، و بدان که یکی از اولین سفارشهای پیامبر صلی الله علیه وسلم به اصحابش در مدینه انتشار سلام(برای ایجاد جامعه همدم و دوستدار هم)و صله ارحام(برای ایجاد خانواده ای قوی) و نماز شب در هنگام خواب مردم (برای ایجاد انسان قوی) بوده است. (و اینجا می بینیم که ایشان پله پله از جامعه و شهر به خانواده و سپس به نفس و ذات فردی پرداخته است).

{ أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلامٍ}: ای مردم! سلام را منتشر کنید و اطعام کنید و صله رحم نمائید و درحالی که مردم در خوابند نماز بخوانید تا با سلامتی وارد بهشت شوید.(ترمذی می گوید:حدیث صحیح است).

۸.**مال را در دستت قرار بده نه در قلبت**، و بکوش که بیشترین مقدار ممکن مال حلال کسب کنی، چون جهاد-برای آنکه روی پایش بایستد- شدیداً به آن نیازمند است. ما امروزه سخت نیازمند ثروتمندانی چون عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف و دیگر ثروتمندان صحابه هستیم، به شرطی که نیتت از جمع آوری اموال برای خود و خوشگذرانی نباشد بلکه فقط برای جهاد و کمک به مجاهدین باشد. یعنی بعد از اینکه مال مورد نیاز خود و خانواده ات را جدا کردی باقی اموال را پس انداز کنی تا وقتی که فرصتی برای رساندن آن به مجاهدین بدست آوردی در سریعترین زمان ممکن و در کوتاهترین وقت آن را فوراً به آنهابرسانی.

ومطمئن شو که اموالت حلال است و از اموال شبهه دار پرهیز کن و بدان که الله تعالی پاک است و جز پاکی را قبول نمی کند و هر کس که به گرد شبهات بگردد، ای بسا داخلش بیفتد.

به مجاهدین کمک کن حتی اگر شده با یک درهم، گاهی یک درهم از صدهزار درهم پیشی می گیرد همانطور که در حدیث آمده است(طبق نیت و اخلاص). و کسی که واقعاً نیت جهاد دارد و صادق است از همین حالا باید شروع به پس انداز کند و خرجهای بیهوده و غیر ضروری را کم کند تا وقتی که کمک کردن میسر شد،کمک کند. و ای بسا طریقه رفتن به جهاد برایش فراهم شود اما پولی برای خرج سفر نداشته باشد، برای همین باید برای موقعیت های این چنینی با پس انداز آنچه که می تواند،آماده باشد و لا یکلف الله نفساً الا وسعها.

۹.**علاقه تو به جهاد مانع ازدواجت نشود**، وبدان که بیشتر اصحاب رسول الله صلی الله سلم ازدواج کرده بودند و ازدواج هیچ یک ازآنان را از جهاد بازنداشت، و جهاد نیز هیچ یک از آنان را از ازدواج بازنداشت. و تلاش کن که با کسی ازدواج کنی که بتوانی

به وسیله او پاکدامنی ات را حفظ کنی و برای امور دینی کمکی برایت باشد و نیت خود از ازدواج را تکثیر نسل مسلمین قرار بده، چرا که ما نیازمندیم که تعدادمان زیاد شود به طوری که هر یک از ما با فرزندانش یک کتیبه جهادی شود، اگر نیت تو از ازدواج این باشد که الله تعالی به تو فرزندانی مجاهد عطا کند چه ازدواج مبارك و چه نیت خوبی است.

۱۰.**عدم نگاه کردن به آنچه الله تعالی نگاه کردن به آن را حرام کرده است:** در این زمان که تصاویر مبتذل در همه جا منتشر شده است به طوری که تقریباً غیر آن چیزی نمی بینیم، به نظرمان امتحان سخت و آزمایش بزرگ است، اما در عین حال می دانیم که اجر نیز بزرگتر و بهشت با ارزشتر است و رضایت الله تعالی مهمتر و بزرگتر است. بنابراین کسی که به دیدار خدایش و جهاد در راهش و نصرت برادران خود امید دارد باید خود را از نگاه به محرمات باز بدارد. وبرای عملی کردن این به این ترتیب عمل کن:

الف)حذف کردن تمام شبکه های بی حجاب از تلویزیون و اگر توانستی که تمامی شبکه ها را ببندی این بهتر است، و اگر بگویی که به دیدن اخبار و برنامه های اسلامی اکتفاء خواهی کرد ما می دانیم که این از حیله های شیطان است و او و سربازانش تو را به حال خودت رها نمی کنند تا اینکه تو را تو را دچار معصیت کنند. پس مواظب باش که تو را گمراه نکنند و روزنه ای را که از آن نفوذ می کنند را ببند. و اگر نتوانستی چنین کنی-مثلاً اگر در اختیار تو نباشد-از نگاه کردن به آن اجتناب کن. و اما برای اخبار و برنامه های اسلامی؛ توصیه می کنیم که با استفاده از روزنامه های مورد اعتماد و کتب مفید ازآنها اطلاع پیدا کنی. و بدان که در زمانی که تو با خود مجاهده می کنی تا به نامحرم نگاه نکنی، برادران مجاهدت در عراق جهاد می کنند تا حریمشان چپاول نشود و محرم هایشان هتک حرمت نشوند.

ب) مبادا که شیطان تو را بفریبد و وارد سایتهای مبتذل در اینترنت شوی، و با نفست جهاد کن و آن را از این کار باز دار.

ج) تمام تلاشت را برای اعلای کلمۀ الله و خدمت به اسلام و یاری برادرانت به کار گیر و تلاش کن که این را هدف و آرزو و هم و غم خودکنی به طوری که فکر و ذکر آن در همه حال با تو باشد، اگر بتوانی چنین کنی دیگر برای ولنگاری و امور خبیث مجالی نخواهد بود که به ذهنت خطور کند.

برادر مسلمانم: این گامهایی برای تمرین و آمادگی بود تا بتوانی شر شیطان و نفس اماره را دفع کنی. اگر توانستی آن را عملی کنی در آن صورت به امور بعدی تواناتر خواهی بود باذن الله! و اگر نتوانستی فکر نمی کنیم تو چیزی بیشتر از یک مدعی سست همت و ضعیف العزم باشی، چیزی را می گوئی که عمل نمی کنی و درباره چیزی می اندیشی که بر انجامش توانا نیستی. و بدان که این برنامه کمترین چیزی است که باید انجام دهی واگر بر آن افزودی آنگاه تو از بلند همتان و بزرگ منشان خواهی بود.

اعداد مادی برای کسانی که در جهاد حضور ندارند

نظامی،بدنی،پزشکی،الکترونیکی....

برادر"یاریگر جهاد": ما امروزه به تخصص های علمی و فرهنگی و بدنی نیاز داریم، ما به کسانی نیاز داریم که در هر چیزی که میادین جهاد و تأسیس یک دولت نوپا بدان محتاج است تخصص و مهارت و آگاهی داشته باشند. هر چند میادین جهاد سخت نیازمند داعیان شرعی و طلاب علم می باشد اما ما فقط به علمای شریعت نیازمند نیستیم بلکه به دانشمندان برق و الکترونیک و کامپیوتر و علوم بیولوژیک و پزشکی و تمام علوم دیگر نیازمندیم، اگر این علوم و متخصصانش در بین ما نباشند پس چه کسی برایمان اسلحه خواهد ساخت؟ و چه کسی صدای ما را به جهانیان می رساند؟ و چه کسی مجروحانمان را معالجه خواهد کرد؟

ما به همه اینها نیاز داریم، پس عزم را جزم کن و بر الله توکل نما و از امروز تلاش کن که در یکی از این فنون دانش، مهارت پیدا کنی. برادرانت در عراق به دانشمندان و متخصصین و اهل خبره و مهارت نیاز دارند. در میان مجاهدین بسیاری هستند که اسلحه به دست گرفته اند اما در میانشان کسی که بتواند اسلحه بسازد زیاد نیست، و مؤمن قوی بهتر و نزد الله محبوبتر از مؤمن ضعیف است همانطور که در حدیث وارد شده است.

با توجه به این، برخی از چیزهایی که از تو می خواهیم عبارتند از:

۱.در عرصه نظامی و جسمی:

افزایش آمادگی جسمانی، و باید بر آمادگی بدنی و ورزشهای رزمی تمرکز داشته باشی، چرا که قدرت بدنی موجب اعتماد به نفس تو خواهد شد و تو را بر تحمل سختی ها و حمل بارهای سنگین و انجام وظایف بدون سستی و عجز قادر خواهد کرد، پس در این مورد به تمرینها ملتزم باش و برنامه ها و وظایفت را انجام بده و نیتت را در این کار، آمادگی برای جهاد قرار بده.

و تصور کن که در میادین جهاد برای آماده شدن برای جنگ تمرین می کنی و در اثنای تمرینت همیشه تصور کن که تو الآن در عراق هستی و دشمنان به تو حمله کرده اند،در آن هنگام چه خواهی کرد؟؟

و بر این تمرینات تمرکز کن: دوی سرعت و بخصوص برای مسافتهای طولانی... و سبکی و چابکی و چالاکی...و نرمی و انعطاف پذیری...و تحمل گرسنگی.... و تمرین برای صعود به کوه.

و این را بدان که قدرت بدنی تو –بعد از کمک وقدرت الله تعالی–بهترین یار تو در حین جهاد و جنگ خواهد بود . و بکوش که در حالی به نزد ما بیایی که کاملاً آموزش دیده باشی و نیرومند باشی، تا کمک ما باشی نه وبال گردن ما، و البته در همه کس خیر است ان شاء الله.

–بکوش که شنا و رانندگی ماشین را یاد بگیری، ودر حدیث وارد شده است که (هر چیزی که ذکر الله عز و جل نباشد لهو یا سهو است جز چهار چیز: راه رفتن مرد بین دو مقصد و آموزش

اسب و بازی کردن با همسرش و یادگیری شنا[1])،و از مکحول روایت است که عمر بن خطاب به اهل شام نامه نوشت که فرزندانتان را شنا و تیراندازی و اسب سواری را آموزش دهید[2].

-تلاش کن که بکارگیری تمام انواع اسلحه را فرا گیری، چون این از مستلزمات جهاد است و بدون آن انجام نمی گیرد و تلاش کن که ماهر و استاد در اسلحه باشی نه فقط استفاده کننده آن. و تلاش کن که برای حفاظت از آن تمرین کنی وبلکه اگر توانستی برای ساختن آن تلاش کن. و منتظر نمان که کسی بیاید و تو را آموزش دهد بلکه از همین امروز تلاش کن و سایتهای جهادی در اینترنت کارت را بسیار آسان خواهند کرد.

-تلاش کن که هر چه می توانی درباره جنگهای مقاومت و جنگهای چریکی و حرب العصابات و فنون جنگ و جنگ رسانه ای و اعلامی و جنگ روانی و سیاسی و همه چیزهایی که اطلاعات و مهارت تورا درجنگ و مقاومت بالا می برند مطالعه کنی. و در صفحات اینترنت معسکرات تئوریک بسیار است.

۲.در عرصه پزشکی:

در درجه اول تخصص در جراحی و استخوان بندی و کمکهای اولیه، واین برای مجاهدین بسیار مهم می باشد، و دوره های آموزشی برای این موارد در کشورهای کسانی که در جهاد حضور ندارند، معمولاً بسیار یافت می شود و مخارجش نیز پایین است.

۳.در عرصه رسانه و کامپیوتر:

---

۱) طبرانی در "الکبیر" با اسناد جید روایت کرده است همانطور که منذری در "الترغیب و الترهیب" گفته است،و ابن حجر در"الدرایة" اسنادش را حسن دانسته است، و ابن حزم در"المحلی" ان را تضعیف کرده و البانی در"السلسلة الصحیحة"ان حدیث را وارد کرده است.

۲) "کنزالعمال"

تلاش کن که چگونگی کار با کامپوتر و چگونگی محافظت از آن و هر گونه مهارتی را که می توانی در عرصه کامپیوتر یاد بگیر. و نیتت را از این کار جهاد فی سبیل الله و کمک به دین الله تعالی قرار بده. همه چیزهایی را که مربوط به وب گردی و ایجاد سایت و نامه نگاری از طریق ایمیل می باشد را فرا بگیر و نیز چگونگی تخریب سایتهای ضد اسلامی و اموری که مربوط به فیلم سازی است از چگونگی به کار گیری دوربینهای فیلم برداری و مونتاژ فیلم گرفته تا آپلود آن در اینترنت و سایتهای جهادی و رایت کردن سی دی و کاست و پرینت و کار با" پرینتر" و " اسکنر"؛ این موارد مهمترین چیزهایی است که لشکر اعلام جهادی در این روزها نیازمند آن است.

٤.در عرصه امنیت:

-هر چیزی که در اینترنت درباره امنیت موجود است را مطالعه کن و تلاش کن آن را تطبیق بدهی و منتشر کنی. همینکه دشمنان الله متوجه انتشار حس امنیتی در مجاهدین و یارانشان بشوند، موجب زیاد شدن خشم آنان می شود و خشمگین کردن اعداء الله مقصدی شرعی می باشد.

-تلاش کن که لغت دشمنانت را یاد بگیری؛ چرا که دانستن لغت دشمنانمان به شکست دادن او کمک می کند، و هنگامی که او را-باذن الله- شکست دادیم لغت ما بین امتها منتشر خواهد شد. ما امروز نیازمند کسانی هستیم که بتوانند به زبان دشمنانمان سخن بگویند، تا بدانیم چه نقشه هایی برای ما می کشند و چه برنامه هایی برایمان دارند و بتوانیم از تکنولوژی های مفیدشان استفاده کنیم و با آنها به طریقی که می فهمند بجنگیم. وبدان که یادگیری زبانشان لازمه اش این نیست که زبان خود را فراموش کنی یا از عقیده ات دست بکشی. ما تا دیروز از این می ترسیدیم که جذابیت ظاهری فرهنگ دشمنانمان، بر فرهنگ ما سیطره کند اما امروز-به فضل الله-یقین داریم که حمله فرهنگی غرب شکست خورده است و امروز دیگر کسی روی زمین نیست که جذابیت ظاهری تمدن غرب او را بفریبد بعد از آنکه ظلم و فساد و پوشالی بودن آن برای همگان آشکار

شده است. بنابراین امروزه تلاش ما برای یادگیری زبانشان برای این است که بتوانیم عقلوشان را خطاب قرار دهیم تا ما به آنها تهاجم فرهنگی کرده باشیم، به این امید که میانشان کسانی را بیابیم که به دعوتمان گوش فرا داده و هدایت شوند و الله تعالی هر که را بخواهد هدایت می کند و برای اینکه اهمیت موضوع را درک کنی کافی است این را بدانی که یهود در مدارسشان به فرزندانشان زبان عربی را آموزش می دهند.

٥.در عرصه سیاسی: مهمترین اخبار و تحلیلات را مطالعه کن تا همیشه همراه حوادث به روز باشی.

٦. در عرصه الکترونیک: چگونگی کنترل مواد منفجره از راه دور و ایجاد پارازیت روی دستگاه های جاسوسی و ردیابی و رادار، و نفوذ به امواجشان برای شناخت تصویری که ایجاد می کنند و... را یاد بگیر.

٧.اسلحه کاربردی مهم:

دعا برای مجاهدین و بخصوص اسیرانشان، و این ضعیفترین درجه ایمان است و کمترین خدمتی است که مسلمان به برادرانش می کند طبق قاعده:"هرکس به فکر امور مسلمین نباشد از آنان نیست" و کمترین کمکی که از انسان برمی آید با زبانش است که همان دعا می باشد.

و در دعاهایت از الله تعالی بخواه که شهادت را نصیبت کند و راه رسیدن به آن را برایت میسر کند.

این مورد را اینجا ذکر کردم چون که این سلاح دعا یکی از اسبابی است که از دیگر اسباب مادیِ حسی کم اهمیت تر نیست.

دعوت به سوی توحید و جهاد در محل سکونت خود

بعد از آنکه مسئله آمادگی شخصی را به پایان رساندیم تا برای جهاد توانایی داشته باشی و تمام پیش نیازها را برای این کار آماده کردی، حال به گسترش دایره تأثیر مجاهد می پردازیم تا از خود گذشته و تمام کسانی را که دور وبرش هستند مانند خانواده و خویشاوندانش را در برگیرد. مجاهد انسانی است که ارتباطاتی عاطفی و پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی دارد و همه اینها نوعی از فشارها و نیروها را بر او مسلط می گرداند که برخی از اینها منفی و برخی مثبت هستند. اگر تو در خانواده ای باشی که جوی دینی و جهادی بر آن حکمفرما باشد پس بسیار به نفع تو خواهد بود و خوشبخت هستی اما اگر غیر این باشد پس در امتحان و آزمایش سختی به سر می بری. چگونه والدینت را به جهاد قانع می کنی؟ چگونه آنها را قانع خواهی کرد که جهاد بر هر مسلمان فرض عین است و دیار اسلام تو را به خود می خواند؟ آیا می توانی آنان را قانع کنی که به تو اجازه هجرت و جهاد بدهند؟ آیا میتوانی کاری کنی که همراه تو جهاد کنند؟ به چه تعداد از دوستان و فامیلهایت را می توانی مانند خود مجاهد بسازی؟

این سؤالها و مشکلاتی است که کسانی که اینجا در عراق جهاد را تجربه کرده اند با آن مواجه هستند، چه برسد به کسانی که جهاد را تجربه نکرده و یا از آن دورند؟ و در ادامه روشهایی را به تو می آموزیم که باید آنان را انجام دهی تا بر این مشکلات غلبه کنی:

۱. باید در وهله اول خودت کاملاً با تمام وجودت به فرضیت و وجوب جهاد قانع شده باشی، و تمام مواردی را که ذکر آن گذشت را عملی کرده باشی تا بتوانی غیرخودت را قانع کنی. چرا که کسی که خودش قانع نشده باشد نمی تواند دیگری را قانع کند.

۲. در ذهن اعضای خانواده ات این قاعده را تثبیت کن که **دین امانتی در گردن ما می باشد** و سنت الله چنین بوده که مؤمنین را آزمایش کرده وآنها را دچار بلا می کند و دنیای کفر بر ضد مسلمین متحد گشته اند و باطل با قدرت تمام از باطلش دفاع می کند، پس چرا ما از دین و حقوقمان دفاع نکنیم؟ و چرا وارد راه جهاد فی سبیل الله نشویم بدون آنکه از سرزنش سرزنشگری بهراسیم؟ و {إِن تَكُونُواْ تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمونَ: اگر (از جنگ و جراحات) درد می‌کشید ، آنان هم مثل شما درد می‌کشند و رنج می‌برند}.

۳. خانواده ات را به شنیدن اخبار جهاد و مجاهدین عادت بده و غیرت را در درونشان تحریک کن: غیرت دفاع و نصرت دین و برادران مسلمانی که در مناطق مختلف مسلمین به آنان تجاوز می شود، در عراق و افغانستان و چچن و فلسطین که داعیان ملی گرا آن را به دشمنان فروختند.

و آیات جهاد و اجر و پاداشی را که الله تعالی برای مجاهدین آماده کرده و حسرت و پشیمانی و عذابی را که برای خانه نشینان آماده کرده را برایشان بگو. وحکم جهاد را دراین زمان برایشان توضیح بده و برایشان بگو که به محض اینکه یک وجب از سرزمینهای مسلمین اشغال شد جهاد فرض عین می شود(ونه کفایه)حتی اگر آن یک وجب غیر مسکونی باشد. و در این حکم هیچ اختلافی بین علماء نیست هر چند که برخی از عالم نمایانی که از خانواده و خورد و خوابشان می

ترسند فتوای فرض نبودنش را می دهند و برخی از احادیث واضح را برایشان بازگو کن مانند (من مات و لم لغز و لم یحدث نفسه بالغزو مات علی شعبهٔ من النفاق:کسی که در حالی بمیرد که نجنگیده باشد و نیت وشوق جنگ را هم نداشته باشد بر شعبه ای از نفاق مرده است).

و قبل ازآنکه از آیات و احادیث که تارکین جهاد را تهدید می کنند سخن بگویی، بیشتر از آیات و احادیثی بگو که به جهاد تشویق می کنند چون که تشویق بیشتر از تهدید تأثیر مثبت می گذارد.

۴. مصرّ باش بر تأکید این که **الله تعالی دینش را پیروز خواهد کرد** و به ما نیازی ندارد و برای ما بهتر است که تلاش کنیم از حامیان دین باشیم و بگو که مجاهدین به امثال تو و آنان نیاز دارند هر چند هم که مهارتشان کم باشد ولو شده برای تعلیم ابتدائی از آنان استفاده می کنند همانطور که در بوسنی چنین بود. و با این کار به اجر بزرگی می رسید و بگو که شیاطین انسی و جنی خانه نشینی و ترک جهاد را در نظرمان می آرایند تا دین شکست بخورد.

-گول دنیا پرستان و خانواده غیر متدین را نخور و برحذر باش که از تبلیغات متأثر شوی مانند وصف مجاهدین به تروریست و یا مارک "ممنوع" زدن به جهاد و نوارهای جهادی، چرا که ممنوع آن چیزی است که الله و رسولش صلی الله علیه وسلم منع کرده باشند،آیا اگر خانواده مان ما را از قرآن منع کردند، تسلیم می شویم؟!! دین اصل و اساس است.

وكل كسر الفتى فالدين يَجبره وما لكسر قناۀ الدين جـبران

۵. آنها را قانع کنی که مرگ و زندگی عطای الله تعالی است و هیچ احدی غیر او نه آن را می گیرد و نه می دهد، نه رفتن به جهاد مرگ را نزدیک نمی کند و نه نشستن در خانه و پنهان شدن زیر لحاف عمر را طولانی می کند.

تأخرت أستبقی الحیاۀ فلم أجد لنفسی حیاۀ مثل أن أتقدما

فلسنا على الأعقاب تدمى كلومنا و لكن على أقدامنا تقطر الدّما

چه بسیار مجاهدانی بوده اند که هجرت کرده و جهاد نموده اند و وارد سخت ترین جنگها شده اند اما سالها عمر کرده اند تا اینکه روی رخت خوابشان فوت نموده اند و چه بسیار کسانی که در میان خانواده اش در منزل خود نشسته و هنگام نوشیدن جرعه آبی خفه شده و مرده اند و کارش تمام شده است.

۶. باید اطرافیانت تو را در هه چیز **الگوی حسنه** ببینند؛ در عبادت و اخلاق و علم و عمل تا اینکه به سیرت تو اقتدا نموده و حرفت را قبول کنند.

و بدان که هیچ کس از ضعیفان اطاعت نمی کند و احدی به کاهلان اقتدا نمی کند و از کسی که سخنش با عملش مخالف است پیروی نمی کنند، وبدان که تمرینهای قبلی که برای مجاهده نفس و حسن اخلاق و آمادگی بدنی و علمی بودند تو را به فردی تبدیل می کنند که بر اطرافیانش تأثیر می گذارد وآنهارا مطیع و مقلد خود می کند. ما طبق تجربه می دانیم که بسیاری از خانواده و دوستان هستند که هوای نفس و گمراهی عقیدتی و پیروی از شیطان ، چنان بر آنان مسلط گشته که هرگز هدایت نمی شوند حتی اگر بر دست تو معجزه ها پدید آید، اما همانطور که الله تعالی می فرماید: { مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ: تا در پیشگاه پروردگارتان معذور بوده (و رفع مسؤولیّت از خویشتن کرده باشیم) و شاید هم (این بیچارگان از گناه باز ایستند و نور ایمان زوایای درونشان را روشن سازد و راه) تقوا و پرهیزگاری در پیش گیرند }.

پس ناامید و سست مشو، چرا که برخی از پیامبران بوده اند که نتوانسته اند همسر و فرزندانش را هدایت کند (مانند نوح علیه السلام) و این به آنهاضرری نداشته است. همانطور که الله تعالی می فرماید: { إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ: (ای پیغمبر !) تو نمی توانی کسی را

که بخواهی هدایت ارمغان داری ولی این تنها خدا است که هر که را بخواهد هدایت عطاء می‌نماید}.

۷. **باید خانواده ات به غیاب تو و به خوابیدنت در خارج از منزل عادت کنند**، مثلاً گاهی سفر برو ویا در منزل دوستان بگذران، یا در بازگشت به خانه تأخیر کن تا به نبود تو در میان خودشان، عادت کنند.

۸. نباید خانواده، تو را تنها منبع رزق و روزی خود بدانند و نباید این تصور را داشته باشند که تو تنها امید و پناهگاهشان هستی، چون این باعث خواهد شد که به تو وابسته باشند و تو را از دست زدن به بسیاری از اعمال خیر بازدارند.{ إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوّاً لَّكُمْ: قطعاً بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند}.

باید به آنها یاد دهی که رازق فقط الله تعالی است و فقط باید به او وابسته بود و تها به او امید داشت و مرگ و زندگی تنها بخشش و عطایی است از جانب الله تعالی، وآنهارا بر این اساس تربیت کن: "هر آنچه به تو رسیده نمی توانسته که نرسد و هرآنچه به تو نرسیده نمی توانسته به تو برسد" طبق حدیث:(أن ما اصابک لم یکن لیخطئك و أن ما أخطأك لم یکن لیصیبک).

۹. تلاش کن که تمام خانوده همیشه در جوّ جهادی و مردانگی و غیرت و مکارم اخلاق به سر برند و مجاهدین را ستایش کن وآنهارا الگو و اسوه حسنه قرار بده و این کار با بازگویی سیرت و زندگینامه مجاهدین و رهبرانشان و قهرمانی هایشان انجام می پذیرد.

۱۰. باید در خانه تو نفرت و کینه و خشم از دشمنان الله مانند یهود و آمریکاییان و روافض مجوس موج بزند و همیشه سخن از اعمال کثیفی باشند که اینان مرتکب می شوند و اینکه چگونه برای نابودی امت اسلام نقشه می کشند و برای آنها بیان کنی که چقدر این دشمنان از ما کینه و نفرت دارند و هیچ کسی را نیز از نفرت خود استثناء نمی کنند، اگر امروز در عراق جنایت می کنند فردا

در مصر و شبه جزیره عرب و سودان خواهند بود و کسی که می خواهد از ناموس خود دفاع کند همین امروز باید این کار را بکند، نه اینکه منتظر بماند که دشمنان به دم در خانه اش برسند تا آن موقع از ناموسش دفاع کند و در آن هنگام دیگر کار از کار گذشته است.

۱۱. **اندیشه امارت** را از خلال کتب و قصه ها و وقائع در ذهنشان تثبیت کن همانطور که در حدیث صحیح آمده است: (أطع أميرك و إن جلد ظهرك و أخذ مالك : از امیرت اطاعت کن حتی اگر تو را شلاق زد و اموالت را به زور از تو گرفت) . و در مقابل این حدیث که می گوید(اللهم من وَلِیَ من أمر أمتی شيئاً فَشَقَّ عليهم فاشقُق عليه، ومن وَلِیَ من أمر أمتی شيئاً فرَفَقَ بهم فارْفُق به : خداوندا هر کس مسئولیت امری از امتم را به عهده گرفت و امیرشان شد و بر آنان سخت گرفت تو بر او سخت بگیر و هر کس که بر آنان امیر شد و به نرمی با آنان رفتار کرد ،تو با او به نرمی رفتار کن)[۳].

این موارد مهمترین اموری هستند که "یاریگر جهاد"میتواند از خلال آن جو مناسبی را در خانواده و اجتماع ایجاد کند تا جامعه و خانواده آمادگی آن را داشته باشند که او را به جهاد بفرستند یا حداقل رفتن او به جهاد را قبول کنند ویا تحمل کنند، البته لازم به ذکر است که وقتی جهاد فرض عین باشد، اجازه پدرو مادر لازم نیست.

۳صحیح مسلم

مشارکت کسی که درجهاد نیست

در پشتیبانی از خط اول جهاد قتالی

بعد از اینکه تمرینات و آمادگی های مربوط به خود مجاهد و دایره تأثیرش(یعنی خانواده و دوستان) را کامل کردیم وقت آن رسیده که وارد میدان معرکه شویم و این میدان مبارزه مانند جنگهای قدیمی نیست که طی آن دو لشکر متخاصم روبروی یکدیگر قرار می گرفتند و بس، بلکه امروزه جنگ جبهه ای سه بعدی است با حجمی متناهی که مرزی ندارد، و خطوط درگیری با دشمن متعدد و زیاد است گاهی درمیدان مبارزه روی زمین است و گاهی در یک از شهرها و گاهی در یکی از شبکه های تلویزیونی و گاهی در سایتهای اینترنتی و گاهی در یک کتاب یا مقاله یا تماسی تلفنی با یکی از شبکه های ماهواره ای، وهمه اینها اجر دارند. بنابراین اساس، امروزه میادین جهاد برای همه کس قابل دسترس شده است، من جمله برای کسانی که راه ورود به میادین جهاد برایش میسر نیست و یا نمی توانند با امرایی اتصال داشته باشند که گاهی برخی اشخاص را معین می کنند که وارد میادین جهاد نشوند و در خارج از معرکه برای پشتیبانی

لوجستیک فعالیت کنند. مرزهای پایتخت اسلام بسیار زیاد است و اسلحه بدستان و بمب سازان برای حمایت از این مرزها کافی نیستند. هر چند کسی که تفنگ را به دست گرفته و با خونش در خط اول مبارزه می جنگد، بهترین مجاهد است و بیشتر از همه اجر می برد، اما این خط اول نیاز به خط دومی دارد تا بتواند ادامه داشته باشد و پیشرفت کند، سخت نیازمند کسی است که با مال و سخن و هرچیزی که به ادامه جهاد و رشد آن کمک کند، به آن امداد رسانی کند. و هرکس که این گونه کارها را انجام می دهد، ما او را خط دوم جهاد می نامیم.

برای همین می گوئیم: اگر فرصت برایت دست نداد که در خط اول جهاد باشی و نتوانستی به میادین معرکه هجرت کنی، حداقل خود را از این محروم نکن که در خط دوم باشی، چرا که جهاد با دشمن فقط به جنگ مستقیم و رو در رو خلاصه نمی شود.

و اما نقش خط دوم چیست و در خلال آن چه کاری از دستمان بر می آید؟

در خط دوم ، مسئولیت تو اینست که هر چیزی که مجاهدین به آن نیازمندند وآنهارا در خط اول جنگ تقویت می کند، برای آنهافراهم کنی. این یک تعریف بود و مثالهای آن به این ترتیب می باشد:

۱. مجاهدین در خط اول، به پول و اموال احتیاج دارند تا اسلحه و مهملات و توشه تهیه کنند.

۲. آنها به دوا و معالجه و نیز به پناهگاه امنی نیاز دارند که هنگام عقب نشینی و مخفی شدن از دشمنان، به سوی آن فرارکنند.

۳. به کسانی نیاز دارند که نقشه های جنگی و کمین و شکار را در اختیار آنان بگذارد تا بتوانند دشمنان را شکار کنند.

۴. به کسانی نیاز دارند که اطلاعات مفید در باره دشمنانشان و تحرکات و تفکرات و نقشه ها و برنامه هایشان، در اختیارشان بگذارند.

۵. به کسانی نیاز دارند که با سخن و کتاب و برنامه و قلم آنهارا یاری کنند، به کسانی نیاز دارند که درمقابل تبلیغات منفی رسانه ها از آنان دفاع کنند.

۶. به کسانی نیاز دارند که با برنامه ای تلویزیونی یا ماهواره ای تماس بگیرند و طی آن مجاهدین را با کلمه و سخن نصرت دهند و منافقین و کفار را با سخن مذمّت کنند.

۷. به کسانی نیاز دارند که صدایشان را به جهانیان برسانند تا جهان آن چیزی را بشنود که دشمنان نمی خواهند بشنود.

۸. به کسانی نیاز دارند که در میان صف دشمنان شایعه پراکنی کنند و میانشان تفرقه بیندازند.

۹. به کسانی نیاز دارند که در دل شب وقتی که مردم در خوابند، برایشان دعا کنند که الله تعالی آنها را یاری کرده و پیروزشان کند.

۱۰. به کسانی نیاز دارند که دشمنان را فریب داده و بین خودشان درگیری ایجاد کنند.

۱۱. به کسانی نیاز دارند که اسم مجاهدین را روی دیوار مساجد و مدارس بنویسند.

۱۲. به کسانی نیاز دارند که به چهره دشمنان و سگهایشان که وارد دیارشان شده اند، تف کنند وآنهارا تحقیر کرده و از دیارشان بیرون کنند.

۱۳. به کسانی نیاز دارند که راه امداد رسانی به دشمن را قطع کنند و حرکت این امدادات را به هر وسیله ای که شده مشکل کنند حتی اگر شده با ریختن میخ در جاده هایی که این امدادات از آن عبور می کنند.

۱۴. به کسانی نیاز دارند که اطلاعات سری و استخباراتی از اماکن وجود مزدوران و جاسوسان و خائنان و سگهای اشغالگران در اختیارشان بگذارند، بلکه این کار از نوع جهاد صف اول است و این را بدانید که الله تعالی شما را به خاطر سهل انگاری در این کار بازخواست خواهد کرد.

آیا تعقیب مزدوران و جاسوسان و سگهای اشغالگران جزو جهاد نیست؟خواهید گفت:"بله"، می گوئیم- به کسانی که واقعاً تصمیم دارند که از خط دوم به خط اول منتقل شوند وبلند همت بوده و واقعاً طالب شهادت است- :"مبادا مزدوران از ضعف شما سوء استفاده کنند" اگرآنها را دیدید یا از محل وجودشان خبردار شدید، آنها را بگیرید و بکشید و اگر توانستیدآنها را به اسارت درآورید، چنین کنید و اگر نتوانستید و هیچ راهی برای کشتن آنان نبود جز با عملیات استشهادی، پس حیّ علی الشهادهٔ و از میان خودتان کسی که برای شهادت آماده است را برای این کار انتخاب کنید، شما با این کار به برادران مجاهدتان در عراق خدمت بزرگی کرده اید، چون این سگها و مزدوران در داخل عراق بسیار احتیاط می کنند و محافظان بسیاری دارند و بدین خاطر مجالی برای دست یابی به آنان نیست، اما آنان در خارج از عراق محافظان کمی دارند و کمتر احتیاط می کنند پس فرصت خوبی برای کشتنشان مهیا است.

ما واقعاً تعجب می کنیم از اینکه سرسخت ترین شبکه ماهواره ای از نظر جنگ با مسلمین و کمک به اتحاد صلیبی رافضی علیه اهل جهاد که بیشترین تبلیغات منفی را علیه مجاهدین دارد تا امروز سمهای خودش را از داخل سرزمینهای عربی منتشر می کند بی آنکه احدی از شما به آن حمله کند. ای انصار جهاد، امروز وظیفه شما حمله به بلندگوهای اشغاگران و سگهایشان می باشد، و این بلندگو ها شامل شبکه های ماهواره ای و روزنامه های مخالف جهاد و روزنامه نگاران و خبرنگاران و گزارشگران و تحلیل گران محاربی که در این شبکه ها کار می کنند، می شود.

و نیز سیاستمداران عراقی و بخصوص رهبران احزاب داخلی حکومت عراق و در رأس آن احزاب رافضی که بیشتر آنان وارد برنامه صفوی معاصر شده اند.

۱۵. به کسانی نیاز دارند که اطلاعات و معلومات استخباراتی را درباره وجود پایگاه های عسکری و انبارهای اسلحه که دشمنان خود را ازآنها تجهیز می کنند، دراختیارشان بگذارند.

۱۶. به کسانی نیاز دارند که مدتی از وقتش را برای اینترنت بگذارد، و طی آن برخی از سایتهای مخالف را برای جواب دادن به آنها ببیند و در آن سایتها نظر داده و مجاهدین را ستایش کند و درنبودشان از آنان دفاع کنند.

۱۷. به کسانی نیاز دارند که با شبکه های ماهواره ای تماس گرفته و دشمنان و مزدوران را رسوا کنند و از آنان بدگوئی کنند و با صدای بلند بگویند:"زنده باد مجاهدین".

۱۸. به کسانی نیاز دارند که مقاله بنویسند- و لو یک مقاله در هفته- و طی آن مجاهدین را ستایش نموده و آن مقاله را برای سایتها و روزنامه ها بفرستند.

۱۹. به کسانی نیاز دارند که هنگامی که یک امریکائی را می بینند به صورتش تف بیندازند و نیز به کسانی نیاز دارند که وقتی یک شیعه مجوسی را می بینند با کفششان او را بزنند.

۲۰. به کسانی نیاز دارند که وقتی به آنها گفتند: به پاخیزید، یک باره برخیزند و در راهپیمایی یا تظاهرات برای اعتراض یا تأیید شرکت کنند.

۲۱. به کسانی نیاز دارند که وقتی به آنها گفتند: کالاهای ایرانی را تحریم کنید و ازآنها خریداری نکنید، تحریمش کنند، و کسانی که وقتی به آنان گفتند: برادرانتان به چادر نیاز دارند، لباسشان را بفروشند و برای آنان این چادرها را بخرند.

۲۲. به کسانی نیاز دارند که کتب و مجلات دینی و علمی را برایشان بفرستند تا باآنها عقول خود و فرزندانشان را تغذیه کنند و از خود در برابر هجوم فرهنگی صلیبی و مجوسی، محافظت کنند.

۲۳. به کسانی نیاز دارند که وقتی به آنان گفتند :شبکه عربی سلولی العربیۀ و الحرۀ امریکائی و الفیحاء مجوسی و المنار رافضی را تحریم کنید، تحریمشان کنند و تمام مراکز و گزارشگرانشان را از دیار خود بیرون کنند.

به همه اینها وبه بیشتر از این برادرانتان در صف اول نیاز دارند. آیا شما آماده تقدیم این کمکها هستید؟

همه اینها برای کسی است که در سرزمین خود نتواند جهاد کند و در خط دوم قرار گرفته است.

و در پایان:

برادران مان"انصار جهاد": به هر وسیله ای که می خواهید و به هر روش که می خواهید، به دشمنانمان ضربه بزنید و منتظر دستورات ما نباشید. هر کس از شما از جانب خودش اقدام کند، بسیاری از عملیاتهای نظامی به بیشتر از پنج نفر نیاز ندارند، و شما نیازی ندارید که منتظر باشید تا کسی برایتان برنامه ریزی کند و شما را به سوی هدف راهنمایی کند، ما الان برخی از اهداف را برایتان بیان کردیم و برخی از وسائل را برایتان معین نمودیم، پس به پاخیزید و حرکت کنید مانند مجاهدانی کاردان.

مبادا بگوئید: این کار ما فایده ای ندارد، تماس با شبکه های ماهواره ای و ستایش برخی از مجاهدان در آنها چه فایدای دارد؟ ما به شما می گوئیم که ما شدیداً به کسانی نیاز داریم که جهاد را ستایش نموده و منزلت مجاهدین را بالا برند، شما نمی دانید که وقتی مجاهدین می بینند که

کسی آنها را می ستاید و تعریف می کند و از دشمنانشان بدگوئی می کند، چقدر خوشحال می شوند-چرا که ستایش آنان به معنی ستایش منهجشان می باشد-.

برادر مسلمانم:

مواردی را که برایت گفتم کم ارزش مپندار هرچند در نظرت بی اهمیت آیند،"درهمی از صدهزار درهم پیشی می گیرد[۴]"، و تو فعلاً غیر این کارها را نمی توانی انجام دهی، هیچ عمل خیری را کم مپندار، و سطحی نگر مباش و تصور مکن که ما دامی که تفنگ در دست نگرفته ای، تو و عمل تو بی فایده اند، ای بسا تو اجر تمام تفنگ بدستان را ببری اگر که امداد رسانی را برای آنان میسر و با امنیت کنی و یا در انتقال ورقه ای سهیم باشی-هرچند کوچک باشد-که با آن در نجات یکی از مجاهدین ازچنگالهای تاریک عرب و عجم سهیم شوی یا خانواده مجاهدینی را که می شناسی به خوبی حمایت کنی... چرا که (إن الله يُدْخِل بالسهم الواحد ثلاثةَ نَفَر الجنةَ: صانعَه يَحْتَسِبُ فی صَنْعَتِهِ الخیر، والرامیَ به، ومُنْبِلَه):"الله تعالی با یک تیر سه نفر را وارد بهشت می کند:سازنده آن را که نیتش از ساختن آن خیر باشد، و تیرانداز،و کسی که تیر را به تیرانداز میدهد"[۵].چه بشارتی بزرگتر از این؟

وای بسا غائبی که مانند کسی است که حاضر است، آیا به یاد نمی آوری که چگونه پیامبرمان صلی الله علیه وسلم در بیعۀ الرضوان دست دیگرش را به جای دست عثمان رضی الله عنه گذاشت، چون او را به مأموریتی فرستاده بود و بیعت الرضوان بعد از رفتن عثمان رضی الله عنه به

۴حدیث حسن

۵احمد و ابوداود و نسائی روایت کرده ا ند وبا توجه به شواهد خود حکم حدیث حسن را دارد.

مکه اتفاق افتاد، این بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به دست راستش اشاره کرد و فرمود"این دست عثمان است" و دستش را روی دست دیگرش زد و فرمود:"این برای عثمان"[6].

فهرست

۶بخاری



توحید و جهاد

...

http://www.tawhed.org

این کتاب با وجود کمی حجم آن حاوی توصیه های مهم و کاربردی می باشد که با عملی کردن آن خیرات زیادی برای امت اسلام حاصل خواهد شد.
این بنده حقیر نیز خواننده محترم را سفارش می کند که با دقت این توصیه ها را مطالعه کرده و عملی نماید و به مربیان بزرگوار پیشنهاد می دهم که این کتاب را به دوستداران جهاد درس بدهند و نیز به جماعتها پیشنهاد می نمایم که برنامهای توصیه شده در این کتاب را بانظم وپشتکار دنبال کنند و امیر جماعت نیز بر روند آن نظارت داشته باشد